

## جنگاگشی و ملامت بري مدارس ملي<sup>۱</sup>

بقلم هنري ويلت، رئيس اداره تعليمات شهر ريجموند واقع در ايالت ورجيناي  
امريكاي شمالي، در مجله اتلنتيك شماره اكتوبر ۱۹۵۴

در بيشتر نيمه اول اين قرن، اهالي امريكا نسبت بتعليمات عمومي اعتقاد كامل داشتند و تصور ميكردند كه تربيت دواي همه علتها است و جميع اميدها و آرزوهائي كه براي كودكان خويش در دل مي پرورند در سايه آن تحقق خواهد يافت. در اوائل قرن مردم بنوع تربيت چندان اعتنا نميكردند، مخصوصاً كه در برنامه مدارس تصرف و تغير ديده نميشد. علاوه برين چون اكثر اولياي كودكان خود تحصيلات منظم نكرده بودند در صدد تحقيق و تعمق در برنامه مدارس برنيا آمدند و با مدرسه هيچ سر و كار نداشتند. نتيجه اينكه اعطاي كمك مالي بدارس بسيار كند صورت مي گرفت. گفتن ندارد كه اصلاح مدارس و برافراشتن بناهاي جديد بادت تهی مي سرنيست.

سال كه به ۱۹۵۰ رسيد تغيير عظيم روي داد. امروز تعليمات عمومي حكم آينه اي يافته كه همه محروميها شكستها و افكار مغشوش مردمی را منعكس مي سازد كه براي اولين بار گرفتار مشكلاتي كشته اند كه حل آنها بپروش قديم مقدور نيست. مؤسسات ما لياقت و بي لياقتي اعضا، را خوب نمايان مي سازد. مدارس بسانتقاد و خرده گيري عيب چويان گرفتار آمده است.

### عيب مدارس ما چيست ؟

درين دوره اي كه اضطراب خاطر و مرض خرده گيري بر مردم تسلط يافته، انتقاد از مدارس ملي سخت قوت گرفته است. ميگويم كه در خلال اين سطور بتجزيه و تحليل انتقاداتي كه از زبان اولياي كودكان دائم بگوش مي خورد پردازم.

« كودكان اين دوره، برخلاف دوره هاي پيشين، در دروس علمي زحمت نميكشند. »  
اين انتقاد با اين اعتراض توأم است كه اكنون بتعليمات حرفه اي بيشتر توجه مي شود.  
« مدارس به خواندن و نوشتن و محاسبه چندان اعتنا ندارند و در نتيجه كودكان از اين حيث بيبي كودكان نسلهاي گذشته نمي رسند. »

« مدارس از برقراري و حفظ انضباط صحيح عاجزند. »

« شاگردان مدارس ملي بي دين و خدا شناس بار مي آيند. » گروهی هم كله دارند كه مدارس پر بدروس مذهبي می پردازند و آنچه نكته سزاوار است دين و دنيا را از يكديگر جدا نمي سازند.

« علمای تعليم و تربيت ميگویند كه امور تربيتي را در انحصار خويش بگيرند و مانند مفاهيم الفاظ و عبارات مرموز و مبهم بكار برند تا عامه را كنج كنند. »

« مدارس ملي همه همت خويش را در اين راه صرف مي كنند كه بگودكان درس همكاري بدهند و آنها را نازك نارنجي بار بياورند در صورتی كه بهتر آنست مبنای

۱- مقصود آنگونه مدرسی است كه در ايران دولتي خوانده مي شود.

تعلیم برین باشد که کودکان را مردمی درست اما زحمت کش و صبور و بردبار تربیت کنند و صفت نیک اقدام و عمل آزاد فردی را در آنان قوت دهند. خرده گیران تندرو بگستاخی می گویند که بعقیده آنان مدارس ملی آئین سوسیالیستی رواج می دهند. انتقاد از بعضی از کتب درسی بتهمت ترویج مرام سوسیالیستی در بسیاری از ایالات شدت یافته است. در یکی از مقالات آینده یعنی جداگانه درین باب خواهد آمد.

«نوع کارنامه های شاگردان بتعلیمات سرسری که امروز در مدارس رایج است، مدد می دهد و بهیچوجه اطلاعاتی را که اولیای اطفال انتظار دارند، نمی دهد.»  
«مخارج گرداندن مدارس ملی هتکفت است.» توجه باین مسأله بسیار اهمیت دارد و برای اداره کردن مدارس هر قدر بار مالیات دهنده گران تر شود، بر اهمیت موضوع افزوده می گردد. بعضی گمان می کنند که سرچشمه همه عیب جوئیها و انتقادهای همین قضیه مخارج سنگین مدارس است.

منبع دیگر انتقادات، معلمان و پیشوایان امور تربیتی هستند که معتقدند برای بهبود مدارس باید با مردم همکاری کنند. در نظر این جماعت همه مسائل در برابر این دو امر از حیث اهمیت مقام دوم دارد. چه باید کرد تا بهترین معلمان را گرد آوریم و در خدمت ثابت نگهداریم؟ چنان می توانیم عمده مردم را تربیت کنیم بدون آنکه مجبور شویم اطاقهای درس را از شاگرد چنان مملو سازیم که نتیجه مطلوب عاید نکرده. چگونه می توانیم حاجات شاگردان دیرباب را برای بسندیده بر آوریم و در عین حال به پیشرفت علمی و عقلی محصلان زودباب لطمه نزنیم و بار آنان را بر سبک نسازیم. مدارس بچه وسیله می توانند شاگردان را براه و رسم صحیح مطالعه معتاد سازند تا این فکر از ذهنشان بدر شود که در برابر هیچ، چیزکی می توان بچنگ آورد.

معلمان و رؤسای تعلیمات خوب تشخیمی داده اند که مدارس در احیا، همان روح شهامت و همت و غیرت که کوچ نشینان و جوانمردانی که بعد مغرب کشور آمریکا روی آوردند و این آب و خاک را بدین درجه عظمت رساندند، وظیفه و تکلیفی بزرگ بعهده دارند. علاوه برین همی همت و غیرت را باید در قلمرو روابط اجتماعی که براتب از تصرف بیابان غرب مملکت دشوارتر است، بکار اندازند. این کار احتیاج بکسانی دارد که بتوانند روش علمی را در مسائل اجتماعی هم کار بندند، آراء مختلف را جمع کنند و با یکدیگر بسنجند و در قضا یا بمجمله حکم نکنند و از درستی و امانت که با معتقدات عمیق مذهبی همراه باشد، بدور نباشند.

### تغییرات در برنامه

در نیمه قرن فعلی بسی تغییرات در برنامه صورت گرفت. این تغییرات همه مبتنی بر تحقیقاتی است که در دوره رواج بازار علوم دقیقه بعمل آمده است و بهیچوجه

نتیجه خیالبا فیهای جمعی مدعیان چرب زبان نیست. وجوه تشابهی که در ترکیب و برنامه مدارس امریکا وجود دارد، بدون آنکه وزارت فرهنگی در میان باشد، موجب حیرت اروپائیان است. وجود وجوه تشابه خود نشانی است بر اینکه بنای تغییرات برنامه بر اصولی است که مقبولیت عامه دارد.

اگر بخواهیم بر رمز برنامه امروزی پی ببریم باید این اصل را که قطعیت یافته قبول کنیم که استعداد و طباع کودکان مختلف است. در ۱۹۰۰ این نظریه باب بود که هر کودکی چون کودکان دیگر هر ماده‌ای را میتواند فراگیرد بشرط آنکه بهمان اندازه زحمت بکشد. در چنین حالی البته ناکامی طفل حمل بر اهمال و سستی میشد و اهمال و سستی هم بضعف اخلاق منسوب می‌گشت.

### تغییر در روش تدریس

علمای علم تربیت بنای تنظیم برنامه را بر همین گونه فرضیات قرار دادند تا تحقیقات روانشناسی "خطا بودن آنها را مدلل داشت و راه و رسم صحیح را نمایان ساخت. مثلا روان‌شناسان چنین تشخیص دادند که قاعده کار نیکو کردن از بر کردن است" شروطی دارد. مشق و تمرین نتیجه مطلوب نمی‌دهد مگر آنکه مقصود بر کودک روشن باشد. نمی‌گویم تمرین بی ثمر است منتها زمانی باید صورت بگیرد که طفل بدان محتاج است و دیگر اینکه نیت و غرض بر کودک آشکار باشد. برنامه جدید تدریس مواد سه گانه را در محیط و موقعی صواب می‌داند که کودک بتواند آنرا برای حصول منظوری یا وصول بقصدی بکار اندازد.

یکی از اصول قدیم این بود که «توانا بود هر که دانا بود» اما روانشناسی و تجربه ثابت کرده که علم بی عمل ثمر ندارد. وقوف بر آداب و وطن پرستی یا داشتن معلومات راجع بامور صحی دلیل نتواند بود بر اینکه شخص وطن پرست است یا دستور های صحی را رعایت می‌کند. مدارس «نوآزمین» علاوه بر اینکه کسب معلومات را مهم می‌شمارند می‌کوشند که شاگرد هم بمطالعه بپردازد و هم بآداب صحی عمل کند.

معلمان قبول دارند که بین رغبت و مجاهده ارتباط برقرار است. تحقیقات علمی مدلل داشته که عامل ترس در تحریک بکار، هرگز یبای ترغیب و تشویق نمی‌رسد. رفتار پسندیده از وجود روابط دوستانه و نیکو، زاده می‌شود. نه از «تنبیه» کردن. تعبیر این گفته چنین نیست که در موقع لزوم کودک را نباید تنبیه کرد. برای ایجاد شوق و ذوق در کودک، معلم دانا باید بوساغل مختلف و معقول متوسل گردد و بین تشویق و تنبیه تعادل لازم برقرار دارد.

عجب در اینجا است که هنوز تغییرات برنامه صورت نگرفته که مردم زبان طمن و لمن گشوده‌اند و بقیصه‌های مدارس را همه مربوط بروشهای جدید منسوب می‌دارند.

مثلا در یکی از ایالات، برنامه جدید مورد تمرش واقع شد و ضعف محصلان را در کلاس اول دانشکده پیرنامه جدید چسبانند در حالی که این موقع برنامه تازه فقط در کلاسهای اول پانزده دبیرستان اجرا می شد. این مسأله اهمیت دارد که شاکیان نه تنها باید برنامه را مطالعه کنند و عیوب آنرا باز نمایند بلکه باید با کمال دقت در صدد تحقیق علل برآیند.

### تأثیر جان دوی

همچنانکه در فنون و حرف اشخاص مبتکر ظهور می کنند از میان مریبان هم مبتکرانی بر می خیزند. از جمله قائمان فکر بکر در رشته تعلیم و تربیت جان دوی است که بیش از همه موافق باحرارت و مخالف سرسخت دارد. کتابهای این مرد و نفوذ ممنوی وی در تغییراتی که در برنامه ها صورت گرفته بسیار مؤثر بوده است. شعار اوست که کودکان از راه حل مشکلاتی که بدان مواجه می گردند، چیز یاد می گیرند. دوی بجد امی گفت تعلیم از راه مشکل کشایی و چاره جوئی بر مراتب بر حفظ کردن مواد پراکنده ترجیح دارد. گفته دوی که مبنای تعلیم باید بر مشاهده و تجربه مستقیم و در عین حال موافق طبع و ذوق طفل باشد، منجر شد باینکه مواد برنامه ها وسیع تر و به امور زندگی اجتماعی نزدیک تر گردد.

بعضی نکات مبهم آناردوی باعث انتقاد بر فلسفه او گشته و پیروانش راست بخشم آورده است. طرفه اینکه در اواخر عمر، دوی از استعمال کلمه «اسالت عمل» پرهیز می کرد زیرا در یافته بود که این کلمه را همفکران بد تعبیر کرده اند. حقیقت اینکه حتی در سال ۱۹۲۸ از بسی کارها که بنام «روشهای نو» در مدارس صورت می گرفت، بیزار بود.

روش کا و علوم انسان و مطالعات فرهنگی  
ممکن است نظر دوی را در باب «حق»، مذهب و بعضی از مسائل تربیتی نپذیریم اما منکر نمی توان شد که وی در تعلیم و تربیت حقایقی را بیان داشت که از بونه آزمایش درست بیرون آمده است. بیپایه اینکه یکی از پیروان نظریاتی در فلسفه تربیت آورده که مورد پسند علماء تربیت یا مردم عامی نیفتاده نمی توان از حقایق چشم پوشید. علاوه برین شواهدی داریم که دوی در بعضی موارد حق را بجانب منتقدان داده است. مگر دوی خود ننوشته که «نمی گویم همیشه امور باید آسان و براد و میل کودک باشد بلکه گاهی لازم است که کودک با چیزی که مخالف طبع اوست مواجه گردد و باجد و جهد با مانع مبارزه بر خیزد.» بلی، زمانی که دومی میگفت «ادعای مدعیان که قوه ذهنی و عقلی اطفالی که وظایفی بر خلاف ذوق و رغبت انجام می دهند بیش از قوه ذهنی و عقلی کودکانی است که کارها مطابق ذوق آنان است، بنظر بساطل می نماید.» سخنش تازگی داشت. امروزه مریبانی که با گفته دوی هم آواز نباشند

معدود است .

بعضی از اولیای مدارس بشتاب هر چه تمامتر دست بتغییر برنامه زدند. گروهی هم راه افراط پیبوندند. بکودکان آزادی فراوان دادند و آنان را کم راهنمایی کردند. اینگونه ناشیگریها سبب شده که مردم در برابر هر نوع تغییر مقاومت ورزند: اصطلاح «مترقی و نوآزمین» در نظر آنها زشت و پلشت گشت. اکنون تعلیم و تربیت دوراه می پیماید و مریبان مشغولند باینکه آراء و افکار کهنه و نو را زبرو رو کنند و آنچه مرغوب است، خواه قدیم خواه جدید، بپذیرند و بقیه را بدور اندازند. از مباحثات و نقد و اختلافات کم کم برنامه منیدی تنظیم می گردد.

برنامه وسیع و آزاد (و گاهی بروسیع و پرآزاد) ما اکنون، بس از بررسیها، بمرحله ای رسیده است که تصور نمی رود کسی، بجز عده ای معدود، بخواهند بسبب قدیم باز برند. در آن ایام مواد برنامه معدود و همه اجباری بود. از یاد نبرسد که بسا برنامه ای وسیع ناچار مسأله انتخاب و اختیار پیش می آید. بنا بر این محصلان دبیرستان ها، راهنمایی اولیای خویش و معلمان، در نهایت دقت باید رشته تحصیلی را بسبب شغلی که در آتیه خواهند داشت، انتخاب کنند.

امروز عده شاگردانی که مدت درازتر در مدرسه می مانند زیاد شده است. با وجود این پنجاه درصد محصلان دوره تحصیلی را بیابان نمی رسانند و بسیار بجا است که برای چنین شاگردانی برنامه مخصوص تنظیم گردد.

### جدال مدارس حرفه ای و مدارس معمولی

هنوز نتیجه کار مدارس ملی در رشته هایی که شاگردان را برای ورود بدانشکده آماده می کند بهتر از رشته های حرفه ایست. مقداری نیرو و وقت صرف مباحثه شده است که مدارس حرفه ای در دستگاه تعلیماتی چه صیغه ایست ؟  
/ معلمان و اولیای محصلان غالباً برین عقیده بودند که مدارس حرفه ای مخصوص شاگردانی است که استعداد ادبی و علمی ندارند اما ازین نکته غافل ماندند که شاگردی کودن هرگز نمی تواند آلات و ادوات برق بسازد یا مرمت کند یا دستگاه برق را بکار بیندازد. بهر حال، متأسفانه این مؤسسات آشیانه و اماندگان شد. چون تعلیمات امور دفتری و تجاری یکی از رشته هایی بود که زود در برنامه دبیرستانها جا گرفت، در میان برخاستگان ازین نوع دبیرستانها جوانانی دیده می شدند که در تهیه مراسلات بوسیله ماشین تحریر چابک و چالاک بودند اما در املا و انشا، زبان انگلیسی کپیشان لنگ بود .

اکنون اولیای کودکان و مریبان بیشتر واقع بین شده اند و تعلیمات حرفه ای را برای بسیاری از شاگردان لازم می شمرند. اما انتخاب نوع رشته شاگرد محتاج راهنمایی و همکاری مردم است. کار پرخرج و پر زحمت بسافتن شغل مناسب برای جوانانی که تحصیلات حرفه ای را بیابان رسانده اند و تحقیق در وضع و پیشرفت آنان تا بحال بد انجام

شده است. مدیران مؤسسات بحق گله دارند که رؤسای مدارس بنظریات و انتقادات ایشان وقع نمی گذارند اما مدیران هم در اجرای پیشنهاد های رؤسا تعلل ورزیده و از منابع خبری که در دسترسشان هست، استفاده نکرده اند. حتی گاهی این زحمت را بخود هموار ننموده که راجع بچوانی که طالب اشتغال در مؤسسه است از مدرسه تحقیق کنند و به بینند آنچه را که وی در اوراق در خواست اشاره کرده صحیح و متقن است یا نه.

مایه امیدواری است که می بینم علوم ادبی و اجتماعی در مدارس از نو، جان گرفته و این مواد را برای همه شاگردان، خواه با هوش و خواه کودن، مهم دانسته اند. یکی از علل بهبود وضع این است که غرض و وظایف تعلیمات حرفه ای روشن تر شده است. درست است که بعضی شاید قادر بفهم «فردوس مفقود» میلتون نباشند اما دست کم روزنامه و مجله را باید بتوانند بخوانند و اخبار دروغ و راست را تمیز دهند. این گونه مطالعات نه تنها ذوق را تلطیف می کند و روح را صیقل می دهد بلکه برای موفقیت در شغل و نو فهم و شعور محصل نیز کومکی شایان است. برای محسوس کردن مطالب غیر محسوس که در کش دشوار است و بفرض آنکه شاگردان چیزی هم یاد بگیرند بیشتر سطحی است معلمان لایق انگشتان چنین شاگردان را بکار می اندازند تا مطالب را بهتر فهم کنند. اکنون نزاع تعلیمات حرفه ای و آزاد به آشتی بدل یافته و میان آن دو الفت برقرار گشته و هر یک رشته، ممد دیگری شده است. اکنون مدارس آزاد به مدارس حرفه ای بچشم حقارت نمی نگرند. ارزش و اهمیت حرفه ای زبان هم ممکن است بمنزله تلی برسد که از درجه رشته ذوقی چیزی کم نداشته باشد.

هیچ نسلی باندازه نسل امروز باسواد و کتاب خوان نبوده است. پرونده های مضبوط در مدارس، فروش مجلات و گزارشهای کتابخانه های عمومی، همه دلیل مدعی ما است. البته جنگ در راه ایجاد لطافت ذوق بیشتر، هنوز بفیروزی قرین نگشته اما با همه عوامل و وسائلی مانند تلویزیون و امثال آن که در تضعیف این فکر وجود دارد، در تلطیف ذوق مردم پیشرفت محسوس نمایان است. توسعه معلومات موسیقی و اظهار اشتیاق شدید نسبت بآن نمونه ایست از اینکه اگر مردم مجال بیابند در بالا بردن پایه ذوق خویش می کوشند.

### خواندن و نوشتن و حساب کردن

کسانی ممکن است بگویند «قبول داریم که امروز برنامه باید وسیع تر و تغییر و تصرف در آن آسان تر باشد اما در کیفیت کار شاگردان خاصه در خواندن و نوشتن و محاسبه چه می فرمائید؟» شواهدی در دست است که شاگردان امروز از شاگردان دیروز درین ماده بدرجات پیشترند. يك نمونه آن اینکه دکتر رلف تایلر قدرت قرائت داوطلبان نظام را در جنگ جهانگیر اول و دوم سنجید و نتیجه چنان نشان داد

که داوطلبان باندازه ششم ابتدایی می توانستند بخوانند اما در جنک دوم تسلط آنان در قرائت باندازه تسلط شاگردان کلاس چهارم متوسطه بود. در جنک اول کسی را بی سواد می خواندند که واقماً هیچ خط خواندن نمی دانست اما در جنک دوم هر که از کلاس چهارم ابتدایی کمتر خط خواندن می دانست بی سواد محسوب می شد.

بعضی از سؤالات امتحانی که بکودکان چند نسل پیش داده شده بود بکودکان امروز داده شد و بجز عده ای معدود همه بهمان خوبی، بلکه بهتر، از عهده برآمدند. تاریخ و علوم که بر برنامه امروز افزوده شده و دامنه اش بسط یافته بهیچ وجه در این مقاله ملحوظ نگشته است. در مقایسه منصفانه این نکته را نیز باید در نظر گرفت که در آن ایام فقط کودکان بسیار با هوش تا حدود شانزده سالگی یا بیشتر بدرسه می رفتند امروز کودکان در هر درجه از استعداد باشند همه بهمان مدت بدرسه می روند.

موفقیت شاگردان در دروس دانشکده ها مهمترین مقیاس خوبی و بدی دبیرستانها محسوب میشد. اکثریت معلمان مدارس ملی این سنجش را بدو جهت به انصاف نزدیک نمی بیند. یکی آنکه بکیفیت تعلیم دانشکده ها توجه نمیکنند دیگر اینکه بین شاگردانی که بحق و برضای خاطر مدیران وارد دانشکده شده و آنان که خود دانشکده بجهاتی، غیر از جهات تحصیلی و علمی، پذیرفته است تفاوت قائل نمی شوند. صرف نظر از این نکات، با همه الم شنگه ای که براه انداخته و کوش فلک را از سروصدا پر کرده اند که شاگردان دبیرستانها خط خواندن نمی دانند و دانشکده باید بآنها ترازه قرائت بیاموزد، شاگردان دبیرستانها معمولاً در دانشکده ها نمره های بسیار عالی گرفته اند. و چه بسا عده شاگردان یک دبیرستان که در دانشکده از کلاسی بکلاس دیگر ارتقا یافته بنسبت خیلی بیش از شاگردانی بوده که در همان دبیرستان بکلاس بالاتر رفته اند. علاوه برین گروه انبوهی از شاگردان همین دبیرستانها از دانشکده ها گواهی نامه درجه عالی گرفته اند.

### انضباط

تاکنون سخن همه از آداب درس رفت. آیا در امور آداب نفس حال مدارس از چه قرار است؟ آیا راست است که در مدارس انضباط اسمی است بی مسمی و آزادی یعنی « هر کس هر کس »؛ با کمال جرأت می گویم که بهترین مکانی که در آن انضباط وجود دارد و قانون خوب رعایت می شود مدرسه است. اگر خواننده این گفته را باور نمیدارد یا لاقلاً در مدارس حوزه و محله خود امر را چنین نمی بیند لطفاً ابتدا سری بدارس بزنند سپس بنازل و مؤساتی که مدعی تربیت جوانانند، برود و تفاوت را مشاهده فرماید.

امروز مدارس محصل را مسؤل حرکات و سکنات خویش می سازند و انتظار

دارند که او بدون فشار عوامل خارج بر اعمال خویش نظارت کند اما اگر جزئی لغزشی و انحرافی مشاهده گردد هیأت مدیره و دبیرستان بسرعت و جسارت هر چه تمام تر محصل خاطلی را بوظایف خویش آگاه می سازند و اجرای قوانین را بجد از او می خواهند. بزرگترین ضربت بامور انضباطی دبیرستانها از جانب کسانی است که اجرای مقررات را فقط در حق همسایگان طالبند نه در حق فرزندان خویش. بسیاری اصلا معنای آن نوع روح انضباطی را که مدارس در برابر همه اشکال تراشی ها در صدد ایجاد و رواج آن هستند، فهم نمیکنند. همینکه تنی چند بی رسمی کردند روزنامه ها بخط درشت عنوان می سازند و بخط ریز خبر می پردازند، اما ۹۰ تا ۹۵ درصد شاگردان که رفتارشان پسندیده است ناخنی بدل آنان نمی زند. خود بهتر می دانند که ازین دو خبر هیاهوی کدام در روزنامه ها پیش خواهد بود:

شاگرد دبیرستانی که بسپاه کردن دیوارهای بیرون عمارت دبیرستان مشغول بود در کلا تتری توقیف شد.

انجمن محصلان دودبیرستان، باتفاق، طرحی تنظیم کرده اند که در مسابقه ها شرکت کنندگان شرایط جوانمردی و تقوت را مرعی دارند.

امروز بهترین مدارس بیشتر، شاگردان را ضامن و مسؤل اعمال خویش می کنند. آنها که این مسؤلیت را آن چنان که شایسته است تعهد نمی کنند بعتاب اولیای مدرسه گرفتار میشوند. البته چنین مدارسی با همه سختگیری از حد انصاف بیرون نمی روند. تنبیه بقصد اصلاح است نه قصاص.

صحیح است که جوانان امروز جوش و نشاط بیشتر دارند و آزادتر سخن می گویند اما راستگوترند و آنچه در ضمیر دارند بر زبان می آورند. انضباط مقبول، میدان عمل معقول را وسیع می کند و بعکس اطاعت کور کوران و قید و بند های ابلهانه روح جوانان را پژمرده می سازد علاوه برین اتومبیل و وسائل نوظهور این عصر ترقی علوم، مشکلاتی پیش آورده و وسوسه هایی در دلها انداخته که پنجاه سال پیش اصلا وجود نداشت. امروز جوانان بیش از هر دوره قبول مسؤلیت می کنند و می کوشند که بصفاتی متصف شوند و بمقائد و آرایی بگرایند که بحال جامعه مفید تر باشد.

### عمل بدستورهای مذهبی

متهم ساختن مدارس بصفت خدا شناسی شاید ظالمانه ترین نسبتها باشد. بلی، مدارس اصول مذهبی فرق مختلف را نمی آموزند اما خدا شناسی را بجد تمام بشاگردان تلقین می نمایند.

مدرسه مکانی است که اصول اخلاقی را تقویت و عمل به آنها را بجد تشویق می کند. قبول هم دارد که مذهب قوه محرک عمل اخلاقی است و بنا بر این اهمیت آن باید بشاگردان گوشزد گردد و گوشزد هم میگردد.

یکی از روحانیون بزرگ در چگونگی تدریس اصول مذهب در مدارس چنین



گفته است :

«ما سراسر روز درس مذهب می دهیم . مثلا در جلسه حساب . درستی و در جلسه زبان، وحدت دل و زبان تلقین می کنیم . در تاریخ، بشر دوستی و در جغرافیا، وسعت نظر می آموزیم ، در کارهای دستی دقت و کمال یاد می دهیم ، در هیأت از عظمت صنع الهی سخن می رانیم . در زمین بازی، انصاف و جوانمردی را می ستائیم .  
دسته جمعی سروردهای روحانی خواندن ، بر سر سفره شکر نعمت گزاردن ، انجمن مطالعه در احوال اخلاقی محصلان تأسیس کردن ، همه گواه‌هایی هستند از الفاظ کویا تر که حال امور اخلاقی و مذهبی مدارس بیجه منوال است .

### روشن سخن گفتن

علت این که مریبان میکوشند دستگاه تعلیم و تربیت را زیر نفوذ خسودنگه دارند معلوم است . بی‌اعتنائی اولیای محصلان در گذشته بامور مهم مدارس باعث آمد که روسا، و معلمان خود را در امور تعلیماتی صاحب اختیار بدانند و بنا برین حاضر نبودند که با آسانی از «ملک طلق» خویش دست بکشند . منکر هم نیستیم که مریبان جد داشته‌اند که همیشه فرمان بدهند و مردم هم بجای این که در امور تعلیماتی بسا ایشان مشورت کنند بی‌چون و چرا اطاعت امر میکردند . قرائن نشان می‌دهد که این وضع روی بیهود دارد و اکنون معلم و غیر معلم همگی مشتاقند که برای رفع مشکلات مدارس با اتفاق کار کنند . طول و تفصیل پیدا کردن دستگاه تربیتی اداره مدارس را بسیار دشوار کرده ، بنا برین آشنا شدن مردم بشکلات کار بس ضروری است .

کله از عبارات و الفاظ پیچیده و مرموز مریبان تاحدی بجای است منتها این را متذکر می‌کردم که هرفنی مشتقی اصطلاحات مخصوص بخود دارد که بنظر اهل فن فصیح و بلیغ می‌آید . با وجود این مریبان کم کم بنا را به «روشن گوئی» گذارده‌اند تا از این پس درین باب سوء تفاهم پیش نیاید .

### کارنامه

در بعضی حوزه‌ها موضوع کارنامه و گزارش احوال تحصیلی محصلان مورد بحث واقع گشته است . معلمان همه معتقدند که نمره دادن از دشوارترین کارهای معلم است .

توجهی که امروزه بنوع استعدادات و ذوقها و مقدار کوشش محصلان در امور تحصیلی میشود، تنظیم کارنامه را بس مشکل ساخته است . کارنامه باید چنان مرتب گردد که آنچه را اولیای محصلان بخواهند در آن ببینند و گزارش را آسان بفهمند تا بتوانند در راه پیشرفت امور تحصیلی فرزندان خویش با معلمان همکاری کنند . کمند مدارس که نمره برقم بدهند و این امر دلائلی دارد . معلمان در بسافته‌اند که کیفیات اعمال انسانی را نمی‌توان بدرستی با ارقام از قبیل ۷، ۱۰، ۱۵ و امثال آن نمایش

داد. علاوه برین مثلا نمره ۹ هیچ معلوم نمیدارد که آیا محصل استعداد داشته که بیشتر کار کند ولی نکرده است. هم چنین این رقم نمی گوید که محصل در چه مبحث بخصوص ضعیف است.

برای رفع این منظور بعضی از مدارس سه کار می کنند. یکی این که در کارنامه بجای ارقام، سه حرف اول الفبای لاتین A, B, C بکار میبرند که بطور کلی درجه پیشرفت محصل را در دروس، طبقه بندی می نماید. دیگر گزارشی است که می گوید شاگرد در کدام ماده ضعیف است و علت ضعف را که با آزمایشهای گوناگون تشخیص داده شده تشریح می کند. سوم تبادل نظر با ولی کودک است. درین جلسه اگر ضرورت داشته باشد کودک هم حضور می یابد. اکنون چنین رسم شده است که گاهی نمونه تکالیف شاگردان را هم برای اولیای آنها می فرستند؛ بعضی اوقات از پدر و مادر کودک دعوت می کنند که بدرسه بیایند و کار و پیشرفت فرزند خویش را از نزدیک مشاهده کنند.

نمره و کارنامه مخصوصاً برای این مقصود است که سابقه تحصیلی محصل در ضبط مدرسه همیشه موجود باشد، پیشرفت محصل را در دروس بنماید و بموقع برای رفع مشکلات از والدین کودکان استعداد بعمل آید. بنابراین بسیار بجا است که معلمان و اولیای کودکان باتفاق در کیفیت تهیه چنین کارنامه مشاوره کنند.

### آیا خرج مدارس ملی سنگین است؟

این سؤال را باید مردم جواب گویند اما معلمان هم درین باب صاحب نظرند. بین مبلغی که در راه تعلیمات عمومی خرج می شود و آن چه عامه از مدارس ملی انتظار دارند تا بحال رابطه ای مطابق با واقع وجود نداشته است. مردم باید معلوم دارند که خرج تعلیمات عمومی حکم صلوة رحم دارد با آن چه درین راه صرف می شود بمنزله سرمایه هنگفتی است که جامعه در راه بزرگترین منابع بکار می اندازد. اگر مبلغی را که در راه تعلیمات عمومی خرج میشود با مبالغی که در راه های دیگر از جمله خرید اشیاء تجملی و تفریحی مصرف می گردد، مقایسه کنیم در می یابیم که هنوز مردم این کشور بی بااهمیت تعلیمات عمومی نبرده اند.

### مردم چه می توانند بکنند؟

مربیان معتقدند که بااهمه دشواریها و وظیفه خویش را چنان که شاید و باید انجام داده اند. معلمان از هر کس بهتر می دانند که از آن چه کرده اند باید بهتر و بیشتر کار کنند. مسؤلیت تنها متوجه گروهی نیست که فقط برای توسعه و اداره امور آن نوع مدارس که مردم می خواهند و حاضرند مخارجش را تقبل کنند، استخدام شده اند. این مسأله یک نکته را مسلم میدارد و آن اینکه در تعیین وظایف مدارس مردم بیشتر باید مداخله کنند.

قسمت بزرگتر انتقادهای فعلی مربوط بخدمت توافقی و سوء تفاهم در باب حدود وظایف مدارس است. واقعاً مدارس چه خدمتی بعهده دارند؟ جواب اینست که باید

دید خواست ملت چیست. خواست ملت را چگونه می توان دریافت ؟ مسائل مربوط به دستگاه تعلیماتی با اندازه ای متنوع و پرطول و تفصیل است که مراجعه بآراء عمومی حاصلی ندارد مگر در چند موضوع بسیار کلی و اساسی. انجمنهای فرهنگی ایالات و رؤسای مدارس باید درین باب راههای گوناگون بیابند .

مردم باید بمدارس سرکشی کنند و اوضاع واحوال را از نزدیک به بینند تا کافر ماجرایها از میان برود و حقایق بدست آید . رؤسای مدارس می توانند راه اجرای این کار را هموار سازند .

برای کسب اطلاع از چگونگی کار مدارس، مردم و مسائل دیگر هم دارند . باید در انجمن خانه و مدرسه و در انجمنهاییکه بهست افرادی چند برای بهبود وضع مدارس تشکیل شده ، شرکت جویند و اگر اتفاقاً در نقطه ای هیچیک ازین گونه انجمن ها وجود ندارد باز وظیفه مردم است که خود به تشکیل آنها مبادرت ورزند . بسیاری از انجمنهای ایالتی و روسای مدارس جمعیتهایی برای مطالعه در مسائل مهم تعلیماتی معین کرده اند .

غالب حوزه ها مجامعی دارند که در باب همه گونه امور تربیتی از تجویس گرفته تا جمع آوری پول از راه فروش اوراق سهام برای بنای عمارات جدید، مذاکره می کنند . برای کسانی که علاقه به پیشرفت مدارس داشته باشند روزنامه های محلی ، مجلات ، رادیو و تلویزیون ، گزارشهای سالیانه انجمن های محلی فرهنگی ، کتابهای مربوط بمسائل جاری تربیتی، دعوت مردم بمدارس ، سؤال از هیأت حاکمه محل، همه وسائل کسب خبرند .

یک راه دیگر هم وجود دارد و آنچنان که باید از آن استفاده نمی شود، خود محصل مدرسه است . هر رئیس مدرسه می داند که چه قدر مادر باید اصرار بورزد تا در انجمن خانه و مدرسه هنگامی که تمام معلم کلاس برده شده پدری از جای برخیزد و با او آشنا شود .

اگر دلناتن می خواهد از برنامه مدرسه با اطلاع باشید لااقل چنان که خاصه تراش یا مرمت کننده اتومبیل خویش را می شناسید معلم فرزند خویش را بشناسید .

### کمبود معلم و اطاق درس

مداخله داشتن مردم در امور مدارس خود بخود وضع تعلیمات عمومی را در جامعه بهبود می بخشد و بردرجه اهمیت آن می افزاید . مردم باید در تحصیل کومک های هنگفت مادی پیشقدم شوند. کمبود معلم و اطاق درس ، کار را دشوارتر ساخته است . با ترتیبات استخدامی فعلی ما هر سال قریب به ۱۰۰،۰۰۰ معلم کسر داریم . تهیه معلمان نالایق و کم سواد چندان زحمت ندارد . اشکال در جلب معلمان درجه اول و نگهداری آنان در خدمت است .

چنین تخمین شده که ۳۴۰،۰۰۰ اطاق درس کم داریم و ده میلیون کودک بناچار

باید نصف روز درس بخوانند. در سال نزدیک به ۱۱۷۰۰۰ اطاق اضافی لازم است که احتیاجات را رفع کند. اگر وسائلی که برای کودکان کودن و کم‌شمار یا ناقص خلقت و سایر لوازم کار تدریس را اضافه کنیم معلوم می‌شود که چه راه دراز پرپیچ و خم در پیش داریم. با همه اینها تنها بول، دواي همه دردها نیست.

### بهبود بخشیدن وضع معلمان

اگر اصلاح وجوه مختلف برنامه را چشم می‌داریم باید هر چه زودتر مقام و منزلت معلم را با انواع تدابیر بالا ببریم. بسیاری از حوزه‌ها باید بر مبلغ مشاهده معلم بیفزایند. مشاهده که قابل شد پایه معلومات معلمان را می‌توان بالا برد و کار مثر هم از آنان متوقع بود. بالا بردن پایه معلومات منحصر باطلاعات تربیتی نیست. از حیث عقل و درایت، سابقه تحصیلات، صفات نیک و شخصیت هم باید مسیران را بالا گرفت.

بهبود وضع معلم متضمن این نکته نیز هست که مردم آنان را محترم بشمارند. معلمان باید گروهی ذی فن پرارزش بقلم آیند و نسبت با آنها بهیچین نظر رفتار نشود. معلمی باید شغلی شریف معرفی گردد تا مردم ممتاز جامعه اجازه دهند فرزندان شان باین شغل تن دهند.

مقدار کار و ساعات تدریس از حد معقول نباید تجاوز کند. نیکویم که کار مختصر باشد اما بیزانی باشد که معلم از عهده انجام دادن آن بر آید و چون وظیفه را خوب انجام دهد، دلشاد می‌گردد. معلم باید مجال داشته باشد که در محافل و مجالسی که مردم تشکیل می‌دهند شرکت کند. معلمی که می‌خواهد مغز محصل را بفعالیت بیندازد مغز خود او نیز باید بفعالیت افتد.

تعلیمات عمومی در امریکا بعد بلوغ رسیده اما بکمال رشد عقلی نرسیده است و در موقع عمل معلوم شده که تن و توش او بر تجربه و فهمش برتری دارد. سرعت رشدی که اخیراً داشته است در ما انتظاراتی ایجاد کرده که بر آوردنش از حد توانایی او بیرون است. تمام فشارها بر مدارس ملی است. اگر این فشار بحق و بجا وارد آید عاقبت محمود خواهد بود و اگر نه لعناتی وارد خواهد ساخت که تیشه بر ریشه راه و رسم زندگی ما خواهد زد. چگونگی نتیجه بیشتر بهمت مردمی که خیر فرزندان خویش را در دل دارند بستگی دارد. بحث مادرین نیست که تعلیمات عمومی این زمان بهتر است یا یکی دو نسل پیش، بلکه بحث در این است که آیا تعلیمات عمومی برای حفظ دموکراسی و دنیای آزاد، آن نیرو و نفوذی که باید دارد یا نه.

ترجمه ع. م. عامری